بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد ارتداد 1](#_Toc428359942)

[تکرر ارتداد 1](#_Toc428359943)

[مرور بحث سابق 1](#_Toc428359944)

[مقام دوم 2](#_Toc428359945)

[مستندات بحث 2](#_Toc428359946)

[روایت اول 2](#_Toc428359947)

[بررسی روایت 2](#_Toc428359948)

[روایت دوم 3](#_Toc428359949)

[بررسی روایت 3](#_Toc428359950)

[دلیل سوم 4](#_Toc428359951)

[جمع‌بندی 4](#_Toc428359952)

[جنون بعد از ارتداد 4](#_Toc428359953)

[قتل مرتد پس از توبه 4](#_Toc428359954)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428359955)

# حد ارتداد

# تکرر ارتداد

# مرور بحث سابق

آخرین بحث از جلسه سابق به تکرر ارتداد اختصاص یافت، در این قبال گفته شد که در صورت تکرر دو قول وجود دارد، یک قول قائل به قتل در مرتبه ثالثه است بدون اینکه استتابه ای صورت گیرد و قول دیگر که درباره آن ادعای اجماع شده است، معتقد است که در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

اما ما عقیده داشتیم تا مادامی‌که توبه وجود دارد ولو اینکه فرد تا صدبار نیز ارتداد پیدا کند باز حکم او قتل نخواهد بود. علت آن نیز حدیثی است که در جلسه سابق بیان شد که موارد بیان‌شده در روایات برای قتل مرتد شامل این مقام نمی‌شود.

## مقام دوم

اما مقام دوم در رابطه با این است که آیا در این مقام دلیل خاصی وجود دارد؟ در اینجا به دو روایت تمسک شده است جهت اینکه تا مادامی‌که توبه است، قتلی در کار نخواهد بود.

## مستندات بحث

این روایات در تهذیب، جلد ده، صفحه صد و سی‌وهفت ذکرشده است.

## روایت اول

این روایت به دلیل علی بن حدید که توثیقش ثابت نیست از سند تامی برخوردار نیست؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِی بْنِ حَدِیدٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ غَیرِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِی رَجُلٍ رَجَعَ عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ یسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَ إِلَّا قُتِلَ قِیلَ لِجَمِیلٍ فَمَا تَقُولُ إِنْ تَابَ ثُمَّ رَجَعَ عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ یسْتَتَابُ قِیلَ فَمَا تَقُولُ إِنْ تَابَ ثُمَّ رَجَعَ قَالَ لَمْ أَسْمَعْ فِی هَذَا شَیئاً وَ لَکنَّهُ عِنْدِی بِمَنْزِلَةِ الزَّانِی الَّذِی یقَامُ عَلَیهِ الْحَدُّ مَرَّتَینِ ثُمَّ یقْتَلُ بَعْدَ ذَلِک:" وَ قَالَ رَوَی أَصْحَابُنَا": أَنَّ الزَّانِی یقْتَلُ فِی الْمَرَّةِ الثَّالِثَةِ.»[[1]](#footnote-1)**

## بررسی روایت

طبق این روایت اگر تا بار سوم تکرر پیدا کرد کشته می‌شود، اما روایت فوق از چند جهت دچار اشکال است؛

اولاً سند روایت ضعیف است، ثانیاً ذیل آن‌که شاهد کلام است، روایت نیست بلکه کلام جمیل بن دراج است و ثالثاً راوی می‌گوید او مثل زانی است درحالی‌که روایات معتبره ای در قبال زانی وجود دارد که حکم او را دربار چهارم قرار داده‌اند. بنابراین نمی‌توان به روایت تمسک کرد.

## روایت دوم

روایت دیگر در باب سه از ابواب حد مرتد، حدیث چهارم یعنی حدیث بعدازاین حدیث، صفحه پانصد و چهل‌وهفت است؛

ظاهراً محمد بن سالم توثیقی ندارد؛

**«أَبُو عَلِی الْأَشْعَرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أُتِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ص بِرَجُلٍ مِنْ بَنِی ثَعْلَبَةَ قَدْ تَنَصَّرَ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَشَهِدُوا عَلَیهِ فَقَالَ لَهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع مَا یقُولُ هَؤُلَاءِ الشُّهُودُ قَالَ صَدَقُوا وَ أَنَا أَرْجِعُ إِلَی الْإِسْلَامِ فَقَالَ أَمَا إِنَّک لَوْ کذَّبْتَ الشُّهُودَ لَضَرَبْتُ عُنُقَک وَ قَدْ قَبِلْتُ مِنْک وَ لَا تَعُدْ فَإِنَّک إِنْ رَجَعْتَ لَمْ أَقْبَلْ مِنْک رُجُوعاً بَعْدَهُ.»[[2]](#footnote-2)**

## بررسی روایت

اما اشکال دیگری که به این روایت غیر از ناحیه سندی وارد است، درزمینهٔ دلالت است چراکه؛ روایت دلالت می‌کند بر قتل در مرتبه دوم. اشکال دیگری که از طرف آقای فاضل واردشده، این است که در روایت به‌جای اینکه حضرت بفرماید اگر توبه نمی‌کردی تو را می‌کشتم، می‌فرماید اگر آن‌ها را تکذیب می‌کردی تو را می‌کشتم.

منتها اینکه امام بحث تکذیب شهود را مطرح نموده‌اند کنایه است از عدم توبه است. و نکته‌ای که حائز اهمیت است این بوده که استتابه تنها نقش طریقی دارد، لذا اگر خود فرد نیز به محضر امام رفت و توبه نمود کفایت می‌کند. و کلام امام که اگر رجوع می‌کردی، پس‌ازآن رجوعی را از تو قبول نمی‌کنم، اگر حمل بر بار سوم و چهارم شود، خلاف ظاهر است.

## دلیل سوم

دلیل سومی که می‌شود در اینجا ذکر کرد، دلیل اجماع است که در کلمات مرحوم شیخ اجماع بر بار چهارم ادعاشده است. اما این اجماع قاعدتاً مدرکی است و برای ما حجیتی ندارد.

## جمع‌بندی

بنابراین، ازلحاظ قواعد عمومی دلیلی بر این مسئله نیست، نه دربار سوم و نه دربار چهارم از حیث روایات خاصه و اجماع دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. بلکه احوط در این مسئله بار چهارم است که در متن تحریر بدان اشاره‌شده بود.

### جنون بعد از ارتداد

مسئله ششم بدین‌صورت است که؛

**«مسألة 6: لو جنّ المرتدّ الملّی بعد ردّته و قبل استتابته لم یقتل، و لو طرأ الجنون بعد استتابته و امتناعه المبیح لقتله یقتل، کما یقتل الفطری إذا عرضه الجنون بعد ردّته»[[3]](#footnote-3)**

اگر مرتد ملی پس‌ازاینکه ارتداد پیدا کرد، مجنون شد، در قبال حکم او دو صورت وجود دارد؛ گاهی جنون او قبل از توبه است و گاهی بعد از توبه، در صورت اول فرد به قتل نخواهد رسید. این حکم بر اساس قاعده است چراکه موضوع مرتد ملی طبق نظر مشهور درجایی است که فرد توبه نکرده باشد لذا به قتل می‌رسد.

در صورت دوم نیز حکم چه در اینجا چه سایر موارد از حدود این است که حد در حال جنون جاری خواهد شد.

#### قتل مرتد پس از توبه

این فرع در مورد این است که فردی پس از ارتداد توبه نموده ولی دیگری از آن اطلاع نداشته و او را به قتل رسانید، در این صورت دو قول وجود دارد، شیخ و ابن شهرآشوب و بعضی بزرگان فرمودند اینجا قصاص می‌شود چون مسلمانی را بدون حق کشته است؛

**«وَ مَنْ یقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فی‌ها وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَیهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذاباً عَظِیماً»[[4]](#footnote-4)**

یک قول این است که اینجا جای قصاص نیست و جای دیه است.

#### اتخاذ مبنا

مشهور به قول دم معتقد هستند و به نظر می‌رسد، اینجا جای قصاص نیست.

1. - الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 256. [↑](#footnote-ref-1)
2. - الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 257. [↑](#footnote-ref-2)
3. - تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 712. [↑](#footnote-ref-3)
4. - 93/نساء. [↑](#footnote-ref-4)